

مقایسه تطبیقی آیین مرگ در بین مسلمانان و زرتشتیان و بررسی میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر

عباس مسیحی *

زهره حق پرست **

چکیده

مرگان‌اندیشی و اندیشه پایان هستی انسان یکی از دغدغه‌های بشر از ابتدای پیدایش بوده و هست. در این خصوص آموزه‌های مختلفی در فرهنگ‌های جوامع مختلف، اعم از دینی و غیردینی، شکل گرفته که طیف وسیعی از انکار همه آنچه بعد از حیات است تا آموزه فروغ جاودانه در جهان بعد را در بر می‌گیرد. ادیان الهی با تکیه بر آموزه‌های غیربشری در خصوص این مسئله ماوراءالطبیعی گزاره‌های کامل‌تر و مفصل‌تری عرضه کرده‌اند که می‌تواند دورنمایی شفاف‌تر برای پیروانشان به ارمغان آورد. در این میان، دو دین اسلام، به عنوان مدعی خاتمیت ادیان، و دین زرتشت، به عنوان مدعی کهن‌ترین ادیان الهی، هر کدام به تفصیل این انگاره را با بیانی شیوا به تصویر کشیده‌اند. مقایسه این دو تصویر از مرگ به همراه آموزه‌های پیشینی و پسینی آن تشابهات و تفاوت‌های شگفت‌انگیزی را نمایان می‌کند که می‌تواند نکات آموزنده‌ای را در بر داشته باشد. این نوشتار در پی آن است که با مقایسه تطبیقی نگاه به مرگ به عنوان یکی از مهم‌ترین آیین‌های گذار بین دو دین، تشابهات و تفاوت‌های این دو و میزان تأثیر و تأثر آنها از یکدیگر را معین کند.

کلیدواژه‌ها: مرگ، زرتشت، اسلام، دخمه، قبر، تدفین، آیین‌های عزاداری.

* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) masiha_72@yahoo.fr

** کارشناسی ارشد ادیان غیرابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب Z.haqqarast@yahoo.com

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶]

مقدمه

آموزه مرگ به دلیل تعیین سرنوشت نهایی انسان، از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های ادیان توحیدی و غیرتوحیدی بوده و هست. در این میان دو دین اسلام و زرتشت نیز در خصوص این موضوع مهم و سنت‌ها و رسوم پیرامونی آن به تفصیل سخن گفته‌اند. نگاهی تطبیقی به آموزه‌های این دو دین در این سنت‌گذار شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، میان احکام مکتوب و سنت مرسوم در هر دو آیین فاصله‌ها و تفاوت‌هایی دیده می‌شود که می‌تواند به دلیل تأثیرپذیری عرف جامعه از سنت‌های حاکم پیرامونی باشد. با ملاحظه سنت‌های مرسوم و نیز بنا بر دلایل عقلی می‌توان پذیرفت که سنت‌ها و آیین‌های مرگ در دو دین زرتشت و اسلام در کنشی متقابل تأثیر و تأثر دوسویه داشته‌اند. یعنی از سویی ایرانیان مسلمان به دلیل صبغه بهدینی خود برخی از سنت‌های زرتشتیان را در جریان مراسم ویژه مرگ حفظ و اعمال می‌کردند و از سوی دیگر بهدینان ثابت‌قدم نیز به دلیل تسلط فرهنگ حاکم اسلامی بر جامعه بالاجبار یا بالاختیار برخی رسوم رایج اسلام را پذیرا شدند. این نوشتار، موضوع مرگ‌انگاری را ابتدا بر اساس آموزه‌های مکتوب اسلامی و سپس بر اساس آموزه‌های مکتوب زرتشتیان بررسی می‌کند و سپس به مقایسه سنت رایج کنونی و تشابهات آنها و نیز تأثیر و تأثرهای احتمالی می‌پردازد.

۱. بررسی آیین مرگ بین مسلمانان بر اساس کتاب و سنت

۱.۱. نگاه به مرگ

بر اساس آموزه‌های اسلام، از آن‌رو که آخرین منزل هستی انسان آخرت است و فرآیند بازگشت به آن، یعنی معاد، اهمیت خاصی دارد، نگاه به مرگ نیز نگاهی ویژه و اساسی است. از این‌رو معاد، یکی از اصول دین اسلام به شمار می‌آید و منکر آن طبق تعریف موجب خروج از اسلام می‌شود. به همین سبب، در آموزه‌های متعدد کتاب و سیره، بر اهمیت و توجه به آن توصیه شده است. اهمیت این مسئله تا بدان‌جا است که تعداد آیه‌هایی از قرآن را که به تصریح یا در ضمن، به معاد و مسائل مرتبط با آن اشاره دارد برخی ۱۶۰۰ و برخی ۱۴۰۰ و گاهی حتی تا ۲۰۰۰ آیه دانسته‌اند که حدود یک‌سوم آیات قرآن را در برمی‌گیرد (نک: سبحانی، ۱۳۷۰: ۱۰). در بخش سیره نیز، تعداد زیادی از احادیث پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) به این موضوع پرداخته است. بر اساس

مجموع آیات و روایات، انسان از ابتدا توصیه شده است که درباره مرگ و جهان آخرت تفکر و تأمل کند و به طور کلی تمامی افعال و سکنااتش در این جهان را بر پایه اینکه جهان دیگری برای حسابرسی هست، تنظیم و تدبیر کند. بسیار توصیه شده است که انسان به فکر مرگ باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۳۵/۳). این توصیه تا حدی است که آیات و حیانی اسلام هر نفس را چشنده مرگ می‌داند (آل عمران: ۱۸۵؛ انبیاء: ۳۵؛ عنکبوت: ۵۷). یعنی در هر نفسی باید یاد مرگ افتاد. در روایتی می‌فرمایند انسان هر شب محاسبه اعمال کند؛ یا توصیه شده که مستحب است انسان همیشه وصیت‌نامه خود را آماده کرده باشد؛ یا عباراتی مانند اینکه «وصیت‌نامه مؤمن زیر سرش باشد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۰/۳)، تعبیری دیگر از آن است که فرد مسلمان همیشه به فکر مرگ باشد. از همین قبیل است توصیه‌هایی که در رفتن به قبرستان‌ها شده است (مجلسی، ۱۴۱۴: ۱۷۲/۲)؛ و حتی نحوه رفتن به قبرستان و برگشتن از آن (همان: ۱۷۰/۲). بعد از آنکه اسلام افراد را به تقوا و محاسبه اعمال دعوت کرد در مرحله بعد به سرگذشت انسان و مراحل گذر اشاره می‌کند که از پرواز روح و ورود به «دوزخ» شروع می‌شود و تا حضور در سرایی به نام «قیامت» یا «محشر» به انجام می‌رسد. در واقع، از نظر ایدئولوژی اسلامی، هستی پاینده انسان در دنیای دیگر است. لذا انسان‌ها موقتاً در این جهان، برای آزمون، درنگی دارند و سپس از طریق پلی که مرگ نامیده می‌شود به جهان پاینده یا سرای ابدی رهنمون می‌شوند. اسلام بشارت می‌دهد که برای کسانی که کار نیک کرده‌اند مرگ عاقبتی نیکو است. نیز می‌گوید مرگ ریحانه مؤمن است (کوفی، بی‌تا: ۲۰۱)؛ یا مانند پلی است که مؤمنان را به بهشت و گناهکاران را به جهنم و دوزخ رهنمون می‌شود (همان: ۲۰۰).

۱. ۲. احکام و آداب محتضر

مطابق احکام اسلام، کسی را که در حال موت باشد «محتضر» می‌نامند. شریعت اسلامی احکام و آدابی را برای این شخص مقرر کرده است تا اطرافیان انجام دهند، از جمله اینکه، باید وی را به گونه‌ای بخوابانند که پاهایش به طرف قبله باشد (مجلسی، ۱۴۱۴: ۱۴۳/۲) و ادعیه و اذکار در کنار وی خوانده شود (همان: ۱۴۷/۲). از جمله کارهای دیگر عملی به نام «تلقین» است که بر مسلمانان واجب است. بدین صورت که محتضر را وادار کنند دو جمله را، که به «شهادتین» معروف است، ادا کند. در ثواب گفتن این دو جمله آمده است کسی که آخرین کلامش به «لا اله الا الله» ختم شود وارد بهشت

می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۳). البته ممکن است محتضر در وضعیتی باشد که نتواند به‌درستی آنها را ادا کند. مطابق برخی روایات، این نتوانستن بر ادای شهادتین ممکن است به سبب معصیت‌هایی باشد که فرد مرتکب شده است؛ مانند روایتی که نارضایتی مادر را دلیل این ناتوانی برمی‌شمرد (مجلسی، ۱۴۱۴: ۱۴۲/۲). برای همین یکی از دعاهای مسلمانان این است که بتوانند هنگام مرگ شهادتین را ادا کنند. همچنین، نزد شیعیان مرسوم است که برخی هنگام مرگ جملات دیگری مانند «یا حسین» و «یا علی» می‌گویند. احتمالاً این کفایت از جملات مذکور نکند. مطابق اعتقادات مسلمانان و بر اساس آموزه‌های قرآن و سیره، یکی از فرشتگان مقرب الهی به نام «ملک‌الموت» یا «عزرائیل» مأمور گرفتن جان تمامی انسان‌ها است. مرسوم است که وی برای گرفتن جان کسی از او اجازه نمی‌گیرد و فقط در گرفتن جان پیامبر اسلام از ایشان اجازه گرفته است. مطابق روایات، کسانی که کار نیک انجام داده‌اند در هنگام مرگ خوشحال هستند و آسان جان می‌دهند؛ و بالعکس گناهکاران هنگام جان‌دادن سخت جان می‌دهند (همان: ۱۷۴/۲). مطابق برخی روایات، ائمه نیز در این زمان به دیدار مؤمنان می‌آیند و این به آسان جان‌دادن محتضر کمک می‌کند؛ مانند روایتی که می‌فرماید:

و ما من احد يحضره الموت الا مثل له النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْحَجَّجِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَرَاهُمْ فَاِنْ كَانَ مُؤْمِنًا يَرَاهُمْ بِرَاهِمٍ بِحَيْثُ يَحِبُّ وَ اِنْ كَانَ غَيْرَ مُؤْمِنٍ يَرَاهُمْ بِحَيْثُ يَكْرَهُ؛ وَ هَر كَسٍ كِه مَرگِ اَو رَا حَاضِرٌ مِی شُود اَلْبَتَّه حَضْرَتِ رَسُوْلِ خُدَا (ص) وَ اَئْمَه (ع) كِه حَق سَبْحَانَه وَ تَعَالَى حِجَّتْ خُود رَا بَر خَلْقِ تَمَام كَرْدَه اَسْت بَه اِمَامَتِ اِیْشَان، بَه عُنْوَانِ مِثَالِ وَ جَسَدِ مِثَالِی دَر بَرَابِرِ اَو دَرْمِ اَیْنَد. پَس اِگَر مُؤْمِنِ صَالِحِ اَسْت اِیْشَان رَا بَر اَن نَحْوِی كِه دُوسْتِ مِی دَارَدِ مِی بَیْنَد؛ عِنْدِی بَه صُورَتِ هَايِ خُوبِ مِی بَیْنَد وَ اِیْشَانِ اَو رَا بَشَارَتِ مِی دَهْنَد بَه بَهْشْتِ وَ اِگَر مُؤْمِنِ نَبَاشَدِ مِی بَیْنَد اِیْشَانِ رَا بَه عُنْوَانِی كِه دَشْمَنِ اَو بَاشَدِ بَا بَشَارَتِ بَه جَهَنَمِ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۳).

همچنین سفارش شده است که اگر محتضر هنگام جان‌دادن ناراحتی دارد یا سخت جان می‌دهد ادعیه‌ای مانند دعای عدیله (همان: ۱۲۷) یا سوره‌های خاصی از قرآن مانند سوره صافات (همان: ۱۲۳) بالای سرش بخوانند یا او را به مکانی که نماز می‌خوانده است (مصلاهی وی) ببرند.

مقایسه تطبیقی آیین مرگ در بین مسلمانان و زرتشتیان و بررسی میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر / ۵۳

از جمله دلایل ذکر شهادتین دورکردن شیطان از محضر است تا با ایمان بمیرد (همان: ۱۲۴). لذا توصیه شده است فرد گناهکار نیز اگر در زمان مرگ توبه کند گنااهش بخشوده می‌شود (مجلسی، ۱۴۱۴: ۱۴۸/۲).

۱.۳. آداب پیش از غسل و کفن

پس از اینکه محضر از دنیا می‌رود واجب است چشمان وی، اگر باز است، بسته شود (حلی، بی‌تا: ۳۴۱/۱). اگر به طرف قبله نیست، به سمت قبله کشانده شود و پارچه‌ای روی وی بکشند. تا هنگامی که بدن میت گرم است لمس کردن وی اشکالی ندارد. اما اگر بدن وی سرد شده باشد، پس از مسح وی باید غسل کرد (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰۸/۱) و غسل آن را نیز «غسل مسح میت» می‌نامند و این تا هنگامی است که میت هنوز غسل داده نشده است. از نظر اسلام، میت در این هنگام نجس است و باید وی را غسل داد تا پاک شود. مطابق آیات و روایات متعددی، در تکفین و تدفین میت باید عجله کرد. در روایتی رسول اکرم (ص) تأکید می‌کند اگر میت قبل از ظهر از دنیا رفته است طوری او را خاک کنید که قیلوله ظهر را در قبر انجام دهد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۸). مراد این روایت آن است که در کفن و دفن میت باید تعجیل کرد. ظاهراً تعجیل در حالت معمولی استحباب دارد و در صورتی که خوف فاسدشدن یا از بین رفتن جنازه باشد، به مرحله وجوب می‌رسد (مجلسی، ۱۴۱۴: ۲۱۰/۲). حال اگر قرار است به دلیلی دفن میت به تأخیر بیفتد، مستحب است بالای سرش قرآن خوانده شود و برخی منابع استحباب روشن کردن چراغ نزد وی را نیز بیان کرده‌اند (عاملی (بهایی)، بی‌تا: ۱۸/۱). همچنین، در روایتی تأکید شده است که میت را نباید تنها گذاشت. چون ممکن است شیطان به او وارد شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۹/۳).

۱.۴. آداب تشییع

انتقال جنازه میت از محل فوت تا مکان غسل و از آنجا تا محل دفن (قبرستان) را تشییع می‌نامند. معمولاً میت را بر پاره‌ای از تخته گذاشته و بر شانه‌ها گرفته و مطابق آدابی حمل می‌کنند. وسیله حملی که ظاهراً از همان اوایل اسلام شایع شده «تابوت» نامیده می‌شود که جعبه‌ای چوبی بوده است. مطابق روایات و اخبار، نخستین کسی از مسلمانان که در تابوت حمل شد دختر پیامبر گرامی اسلام، حضرت فاطمه زهرا (س)

بوده است (مجلسی، ۱۴۱۴: ۵۳۳/۲). عمده آداب تشییع هنگامی است که میت غسل داده شده و آماده دفن باشد. بر اصل تشییع جنازه در نظر اسلام بسیار تأکید شده است و روایات بسیاری بر فضیلت شرکت در تشییع جنازه مؤمنان اشاره دارد. مطابق برخی روایات، در تشییع مؤمنان تعدادی از ملائک و فرشتگان مقرب الاهی نیز حضور می‌یابند. از همین رو ظاهراً پیامبر (ص) در برخی تشییع‌ها پابرنه حرکت می‌کرده است (حلی، ۱۴۱۲: ۲۷۹/۷). از جمله فضیلت‌های ذکرشده در منابع روایی، غفران گناهان تشییع‌کننده، پاداش بهشت، ثواب و پاداش بیکران است. برخی روایات ثواب تشییع را به اندازه دو قیراط بیان می‌کنند و هر قیراط را معادل کوه احد می‌دانند و برخی دیگر توفیق شفاعت چهار نفر در قیامت را به ازای هر تشییع بیان می‌کنند (مجلسی، ۱۴۱۴: ۳۱۱/۲؛ قمی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۴: ۱۱۳/۱ و ۱۱۴) و برخی دیگر غفران تمامی گناهان را (همان: ۲۶۰/۷۸). ظاهراً مسمای تشییع نیز حمل یا مشایعت تابوت به اندازه ۵۰ تا ۱۰۰ گام است. بر اساس روایات، روشن کردن چراغ در جلوی جنازه فقط در صورتی اشکال ندارد که جنازه در شب تشییع شود و به کاربردن چراغ یا آتش در روز جایز نیست (همان: ۳۱۸/۲).

در خصوص کیفیت حمل تابوت نیز روایاتی وارد شده، مانند اینکه مستحب مؤکد است تابوت بر شانه‌ها حمل شود و بر روی وسیله رونده‌ای قرار نگیرد (همان: ۲۸۴/۷۸). همچنین، برای بلندکردن نیز ابتدا چهار نفر طرف چپ جلوی تابوت را بلند کنند و سپس طرف چپ عقب تابوت و بعد طرف راست عقب و در آخر طرف راست جلو را (طوسی، ۱۳۹۰: ۲۱۷/۱).

۱. ۵. آداب غسل و تکفین

بعد از اینکه فرد از دنیا می‌رود، واجب است قبل از دفن، غسل داده شود و سپس کفن گردد. در اسلام، شرایط خاصی برای غسل‌دهنده قائل نشده‌اند، غیر از آنکه غاسل باید مسلمان، همجنس یا محرم باشد. ظاهراً در صورت نبودن این شرایط غسل برداشته می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۷/۳). همچنین، اگر کسی در میدان جنگ کشته شود او را غسل نمی‌دهند و اگر در زمان حج فوت کند، بخشی از اعمال غسل برداشته می‌شود (همان: ۱۴۳/۳). بنا به احکام و جویبی، میت مسلمان را سه بار با آب‌های مخلوط با سدر و سپس کافور و آنگاه آب خالص غسل می‌دهند. پس از آن کافور بر پیشانی و سر دست‌ها و

مقایسه تطبیقی آیین مرگ در بین مسلمانان و زرتشتیان و بررسی میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر / ۵۵

پاهای میت می‌مالند که آن را «حنوط» می‌نامند. سپس مرحله کفن کردن میت آغاز می‌شود که با سه تکه پارچه پنبه‌ای انجام می‌گیرد (همان: ۱۳۹/۳)؛ و بر اساس آن تمام بدن میت باید پوشانده شود. استفاده از پارچه‌های دیگر مانند کتان، و... ظاهراً مکروه است و حریر هم جایز نیست. ظاهراً مستحب است دو تکه چوب تر،^۱ در زیر کفن میت قرار دهند (همان: ۱۵۲/۳). برخی منابع گفته‌اند تا این چوب‌ها خشک نشود بدن میت نمی‌پوسد (همان: ۱۵۳/۳). همچنین، منابع شیعی از استحباب مالیدن تربت امام حسین (ع) بر صورت میت خبر می‌دهند (طوسی، ۱۳۶۵: ۷۰۶/۱).

۱. ۶. آداب تدفین

پس از اتمام کفن، مسلمانان به طریقه جماعت بر میت نماز می‌گذارند. این نیز از واجبات دفن میت است. در نماز مذکور، استثنائاً حاضران می‌توانند بدون وضو و با کفش اقامه کنند و ترتیب آن نیز بدین صورت است که پنج تکبیر می‌گویند و بعد از هر تکبیر با ذکر شهادتین و طلب مغفرت برای مؤمنان، برای میت نیز از خداوند طلب مغفرت می‌کنند (قمی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۴: ۱۱۳/۱؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۴۶۹/۱). سپس میت را بلند می‌کنند و تا نزدیکی قبر می‌برند. روایات وارد شده ثواب‌های کثیری در خصوص نماز بر میت ذکر کرده است که برخی از آنها عبارت است از: اجابت صد هزار درخواست به ازای هر درخواست برای میت (مجلسی، ۱۴۱۴: ۳۱۲/۲)؛ یا روایتی از پیامبر که هر که بر جنازه‌ای نماز گزارد، جبرئیل و هفتاد فرشته برای وی استغفار می‌کنند (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۳۰۶/۱).

بنا به احکام اسلامی، واجب است مسلمان را در گودالی به نام «قبر» که در زمین حفر می‌شود، دفن کنند، اما اگر میت در کشتی باشد و خوف فساد آن باشد می‌تواند بعد از اعمال امور تغسیل و تکفین، وی را در آب دریا بیندازند (عاملی (بهایی)، بی‌تا: ۴۳۱/۲).

در خصوص ابعاد قبر حفر شده نیز سفارش شده است به گونه‌ای باشد که اولاً میت در آن آزاد باشد؛ ثانیاً به قدری عمیق باشد که حیوانات وحشی نتوانند جنازه را از آن بیرون بکشند (طوسی، ۱۳۹۰: ۴۷۲/۱). آنگاه ولی میت یا کسی از طرف وی، میت را در قبر می‌گذارد و بالای کفن وی را باز می‌کند، به طوری که صورتش روی خاک قرار می‌گیرد و پس از آن جملاتی را نزدیک وی می‌گویند که «تلقین» نام دارد. این جملات حاوی اعتقاداتی است که مسلمانان معتقدند در شب اول قبر دو فرشته از میت می‌پرسند (مجلسی، ۱۴۱۴: ۴۲۴/۲).

مرسوم است و بسیار تأکید شده است که در اولین شب دفن میت، نمازی با کیفیت خاص به نام «نماز وحشت» برای فرد درگذشته خوانده شود. مسلمانان معتقدند خوب است دست‌کم چهل مؤمن این نماز را برای متوفا ادا کنند (همان: ۲۲۰/۸۸).

۱.۷. برگزاری مراسم‌ها

مطابق روایات، ظاهراً سه روز عزاداری برای میت جایز شمرده شده است؛ از جمله، روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «يَصْنَعُ لِلْمَيْتِ مَا تَمُّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ يَوْمِ مَاتَ» (حلی، ۱۴۱۲: ۴۲۰/۷)؛ «برای متوفا، از روزی که فوت کرده است سه روز مجلس عزا و مصیبت باید برپا کنند». در این سه روز تأکید شده است که برای صاحبان عزا، غذا برده شود و کراهت دارد کسی میهمان آنها شود. امام صادق (ع) در روایتی، غذا خوردن نزد مصیبت‌دیدگان را از سنت‌های جاهلیت می‌شمارد و اشاره به سیره پیامبر (ص) در اطعام مصیبت‌دیدگان دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۷/۳).

ظاهراً غیر از گریه که در فراغ عزیز از دست‌داده جایز شمرده شده است، اظهار بی‌تابی از طرق دیگر، جایز نیست. البته بنا بر برخی اخبار، بی‌تابی و پاره‌کردن یقه و ... در مرگ پدر و برادر جایز است (موسوی (شریف مرتضی)، ۱۴۱۵: ۳۶۶). همچنین، مطابق برخی روایات، نوحه‌سرایی نیز نفی شده و پیامبر آن را از اعمال جاهلیت شمرده است (قمی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۲۷۱/۴-۲۷۲).

مراسم عزاداری بیش از سه روز ظاهراً استحبابی ندارد و فقط بر مراسم اربعین سیدالشهدا، آن هم به دلیل بعد اجتماعی آن، تأکید شده است. از این رو حتی عزاداری برای ائمه و بزرگان نیز مرسوم نبوده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۲۹/۹۸).

از جمله امور مستحب در خصوص بزرگ‌داشت و تسلای بازماندگان، تسلیت‌گفتن به صاحبان عزا است. از پیامبر اسلام (ص) نقل است که فرمود: «هر که اندوهناکی را تسلیت گوید، خداوند در روز قیامت به او احترام کند و لباس زیبایی بر او بپوشاند» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۷/۳).

همچنین، کمالینکه در ابتدای بحث نیز اشاره شد، در خصوص رفتن سر خاک مردگان و خواندن دعا و قرآن و ذکر فاتحه بسیار سفارش شده است که هم برای قاری و هم میت ثواب فراوان دارد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۶۸/۱۰).

۲. بررسی آیین مرگ بین زرتشتیان بر اساس متون اولیه

گستره زمانی آیین زرتشت پیشینه‌ای چند هزارساله دارد. از این رو، آیین‌های مرتبط با آن نیز فراز و نشیبی با وسعت همین بازه به خود دیده است. به دلیل همین گستره زمانی، مناسب است بررسی آیین مرگ در این دین کهن در دو بخش مطالعه و بررسی شود. نخست مرگان‌دیشی بر اساس متون و منابع اولیه این دین و آنگاه در بخش بعدی مرگان‌دیشی در هزاره آخر در منابع و رفتار پیروان این دین.

در آیین زرتشت، ضمن اعتقاد به عالم پس از مرگ، معتقدند روان پس از جداشدن از جسم همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. از این رو مراسم خاصی را برای مردگان انجام می‌دهند تا به روان درگذشته برای طی مسیر کمک کنند.

به عقیده زرتشتیان، پس از جداشدن روح از بدن، جسم ریمنی (ناپاک) خواهد شد، به طوری که اگر به آن دست بزنند باید غسل کنند. بنا به اعتقاد ایشان، پس از مرگ دروچ نسو (پلیدی) به شکل مگسی به جسم حمله، و آن را تباه می‌کند که با برگزاری مراسم «سگ‌دید» نسو را ضعیف می‌کنند. جسد روحانیان بیش از جنگیان و کشاورزان ناپاک است و بیشتر موجب آلودگی می‌شود (وندی‌داد ۷، بند ۷). طبق وندی‌داد (وندی‌داد ۷، بند ۷)، جسد انسان‌های نیکوکار بیشترین ناپاکی مرگ را دارد. زیرا از پا درآمدن نیکی سبب تمرکز و نیروگرفتن نیروهای بدی می‌شود. لذا پس از مرگ با جسد بسیار محتاط رفتار می‌کردند. آنها در مراسمی آن را به دخمه می‌بردند تا در معرض نور خورشید قرار بگیرد و گوشت گندیده را پرندگان و چارپایان نابود کنند. تن مرده نباید با زمین، آب و گیاه تماس داشته باشد. استخوان‌ها را پس از آنکه مدتی در معرض خورشید بود جمع‌آوری و دفن می‌کردند یا به چاه وسط دخمه می‌انداختند. هدف اولیه از آیین تشییع، فروپاشی سریع گوشت آلاینده و آزادکردن روان برای فرازرفتن به آسمان بود (بویس، ۱۳۸۵: ۷۱).

آنان معتقدند بعد از مرگ تا سه روز روح درگذشته در این دنیا و در کنار جسد می‌ماند و در این سه روز جزای اعمال خود را می‌بیند. اگر فرد پارسایی بوده باشد، پندار، کردار و گفتار خود را به شکل دوشیزه‌ای زیبا درمی‌یابد و اگر گنهکار باشد، عجزه‌ای زشت و بدبو در کنار وی حضور می‌یابد و در سپیده‌دم روز چهارم، از طریق پرتوهای خورشید، به دیدار «میتره» بر پل چینود می‌رود.

طبق متون، برای فرد درگذشته باید رسومی برگزار شود؛ بازماندگان، به روح

مقایسه تطبیقی آیین مرگ در بین مسلمانان و زرتشتیان و بررسی میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر / ۵۹

(ص ۳۵-۳۶)، بندهش (ص ۱۲۹)، گزیده‌های زادسپرم (فصل ۳۱، ص ۵۳-۵۴) و مینوی خرد (ص ۲۴-۲۸) در این سه شبانه روز روان شخص ثوابکار خوشحال و مسرور و روان گناهکار ناراحت و پریشان است. صبح روز چهارم، روان در گذشته به سر پل چینود می‌رسد و به حساب کارهای نیک و بد او رسیدگی می‌شود (آذرگشسب، ۱۳۷۲: ۲۰۴). همچنین، در این سه شب بستگان در گذشته باید از خوردن گوشت پرهیز کنند (شایست ناشایست، ۲/۱۷). نیز بیان شده که برای در گذشته، مراسم دهه، ماه، سال و اولین ماه پس از سال برگزار شود (شایست ناشایست، ۵/۱۷).

۲.۲. ۲. ریمنی جسد

مطابق تصریح متون، جسد ریمن (ناپاک) است و فقط افراد خاصی می‌توانند به آن دست بزنند و اگر کسی به جسد دست بزند باید نه روز تمام با ادرار گاو غسل کند. همچنین، معتقد بودند هنگامی که شخصی در خانه‌ای بمیرد باید از این خانه آتش، برسم، طشت، شربت هوما و هاون را بیرون کنند و بعد از نه شب در زمستان و یک ماه در تابستان مجدداً آتش را به خانه برگردانند (وندیداد، ۳۹/۵-۴۲). آتش باید به اندازه سه گام از جسد فاصله داشته باشد و اگر تابش آن به جسد برسد، گناه مرگزان (شایسته مرگ) است (شایست ناشایست، ۴۰/۲).

۲.۳. ۳. گریه و زاری

یکی از شگفت‌انگیزترین ویژگی‌های آیین زرتشتی این است که سوگواری به معنای خاص را جداً نهی می‌کند و بیان آهنگین عزاداری صادقانه را به عنوان اختراع شیطان در نظر می‌گیرد (ویدن‌گرن، ۱۳۷۷: ۶۴). در رساله مینوی خرد (مینوی خرد، ۲۹/۴۳) و صد در نشر (صد در نشر، در ۹۶) آمده است که شیون و مویه (šêvan ut môdak) سبب رنج مرده است. همچنین، در ارداویراف‌نامه بیان شده که رودی سهمگین در دوزخ جاری است که از اشک و گریه بازماندگان به وجود آمده است و ناله و زاری کردن را خلاف حکم دین می‌داند (ارداویراف‌نامه، ۱۳۷۲: فصل ۱۶). در آیین زرتشتی، تدفین هیچ‌گاه با آه و ناله همراه نبود. فراتر از آن، آیین زرتشت همواره با این عمل، که محکومش می‌کرده، مبارزه می‌کرده است (ویدن‌گرن، ۱۳۷۷: ۲۷۴).

۲. ۴. مراسم مرگ در هزاره آخر

پیشینه آموزه‌هایی که بر پایه متون اولیه بیان شد، به قدمت پیدایش و درخشش این آیین، یعنی چند هزار سال پیش، می‌رسد و طبیعی است که در طول تاریخ، متأثر از موقعیت زمانی و مکانی نشو و نمای این دین، تغییرات شگرفی را پذیرا شده باشد. آنچه در ادامه می‌آید انگاره‌های پسینی است که تقریباً مرتبط با هزاره آخر، یعنی ظهور اسلام به بعد، است. در موقعیت جدید، باورها و عقاید باستانی جامعه زرتشتیان در ایران تغییر کرده، اما بخش اصلی آن همچنان ثابت باقی مانده است. این قبیل تغییرات و دگرگونی‌ها، گرچه گاه به صورت چشمگیر با سنت‌هایی در کتاب اوستایی و نندیداد و تفاسیر آن مغایرت دارد، اما همچنان با پیام آسمانی زرتشت پیامبر هماهنگ است. از آنجا که آیین زرتشت انعطاف بسیاری با موقعیت جوامع مختلف دارد، این هماهنگی یافتن، نوعی بازگشت به اصالت بنیادین و حقیقت دین است (مزدپور، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

امروزه، آیین‌هایی که برای سوگواری برگزار می‌کنند، با آنچه در متون کهن آمده تفاوت بسیار دارد. علت تمامی دگردیسی‌های رخ داده در میان زرتشتیان یکسان نیست. زرتشتیان ایران، گاه برای حفظ بقا از خشونت طبیعت، و گاه برای حفظ بقا از خشونت اقوام و دولت‌های حاکم، و گاهی هم برای خوب‌یافتن رسوم دیگر اقوام، بخشی از رسوم خود را تغییر داده، یا به کناری نهاده‌اند. آنچه در ادامه می‌آید، بخشی از رسوم آیین مرگ در میان زرتشتیان در قرون اخیر است که از سیره ابتدایی آن گذر کرده است.

۲. ۵. آداب انتقال در گذشته برای غسل

با مرگ زن یا مرد زرتشتی فوراً به او نیرنگ^۵ می‌دهند و سپس دست‌هایش را روی سینه قرار می‌دهند و پاهایش را جمع می‌کنند که به آن «کشه» (keša) می‌گویند. آنگاه جسد را از رختخواب برمی‌دارند و در گوشه‌ای از منزل^۶ که آن را تمیز کرده‌اند، روی سنگ یا آهن می‌گذارند و پت خواندن را شروع می‌کنند تا پیدس‌ها (مرده‌کش)^۷ بیابند (خسرویانی (راستی)، ۱۳۸۱: ۶۰۶). پیدس‌ها، که تعدادشان همیشه زوج است، پس از غسل کردن و پوشیدن لباس سفید در منزل صاحب میت حاضر می‌شوند و آنجا کشتی نو می‌کنند و بعد در حالی که هم‌پیوند شده‌اند میت را برمی‌دارند و در تابوتی که

مقایسه تطبیقی آیین مرگ در بین مسلمانان و زرتشتیان و بررسی میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر / ۶۱

زرتشتیان آن را گهن (gahan) یا گاهان می‌نامند (آذرگشسب، ۱۳۷۲: ۲۰۸) می‌گذارند. سپس در حالی که موبدان بر آن نماز می‌گزارند، مردان و زنان حاضر در خانه به تابوت نزدیک می‌شوند و با خم کردن سر به درگذشته احترام می‌گزارند و با او وداع می‌کنند. سپس تابوت را روی شانه برای بردن به پاکشوخانه (مرده‌شوخانه) بلند می‌کنند (مهر، ۱۳۸۷: ۱۷۳). بستگان و دوستان میت، که جلوی درب خانه برای بدرقه جمع شده‌اند، به احترام شخص درگذشته چند قدم پیاده او را مشایعت می‌کنند (آذرگشسب، ۱۳۷۲: ۲۰۸). در مراسم تشییع قاعده آن است که تمام مشایعت‌کنندگان لباس سفید به تن کنند و به حالت دویه‌دو به دنبال جنازه راه بیفتند و با دستمالی سفید دستان خود را به هم پیوند زنند تا از شر پلیدی دیوان در امان باشند. همچنین، زنان نباید در مراسم تشییع شرکت کنند (احتشامی، ۱۳۴۸: ۳۷۳).

مکانی که میت را غسل می‌دهند زادومرگ یا پَرَسَش (Parseš) است. این مکان، دو درب روبه‌روی هم دارد. از درب ورودی که وارد می‌شوند مشخصات درگذشته را یادداشت می‌کنند. سپس جسد را غسل می‌دهند و موبدان نماز ویژه (گات‌های اهنود) می‌خوانند و جنازه را از درب دوم خارج می‌کنند و به آرامگاه ابدی می‌برند (خسرویانی راستی، ۱۳۸۱: ۶۰۶).

تعداد پاکشوها باید همیشه زوج باشد. همچنین پاکشوی مرد، جسد مردان و پاکشوی زن جسد زنان را می‌شوید. بدن درگذشته را با آب گرم و صابون می‌شویند و بعد از خشک کردن میت آن را با کفن می‌پوشانند و کشتی به کمر او می‌بندند. سپس او را روی تخت آهنی می‌خوابانند و روی آن را با پارچه سفید می‌پوشانند و به سالن نیایش می‌برند. پارچه کفن معمولاً برای مردان هجده‌ونیم متر، برای زنان شانزده‌ونیم متر و برای بچه‌ها سه‌ونیم متر است (آذرگشسب، ۱۳۷۲: ۲۰۹).

۲. ۶. آداب تدفین

امروزه در سالن نیایشگاه هفت شمع روشن می‌کنند و موبدها، که قانوناً باید دو نفر باشند، در حالی که روبه‌روی میت ایستاده‌اند، نیایش‌ها را می‌خوانند و وقتی به بخش خاصی رسیدند با اشاره دست آنها پاکشویان میت را برمی‌دارند و به سوی آرامگاه می‌برند و آن را با تخت آهنی، در گوری که حفر شده است، می‌گذارند. روی قبر با سنگ‌ها و سیمان پوشیده می‌شود و درزهای آن را نیز با سیمان می‌گیرند و بعد روی آن

را با خاک پر می‌کنند. پس از چند ماه، روی گور سنگ انداخته می‌شود و نام شخص در گذشته روی لوحه حک می‌شود (همان: ۲۱۰). هرچند مرسوم است که جسد را به دلیل آنکه نسو است زودتر برای تدفین انتقال دهند اما اگر هنگام غروب یا شب باشد به منظور تأکید بر تشییع در زیر نور خورشید، این کار را به روز بعد موکول می‌کنند. در قدیم، پیش از انتقال جسد به دخمه آن را به سگ نشان می‌دادند. زیرا معتقد بودند وقتی سگ به جنازه نگاه می‌کند، دروج‌ها نمی‌توانند در جسد اقامت کنند و نسو ضعیف می‌شود (کتاب پنجم دینکرد، ص ۱۰۶، بند ۲۸ ب)؛ و هنگامی که چشم سگ به جسد مرده می‌افتد، دروج نسو به شکل مگسی به مناطق شمال می‌گریزد (وندیداد، ۱۳/۳-۱۵؛ ۲/۷-۵؛ ۱۶/۸-۱۸؛ شایست ناشایست، ص ۸). رسم سگ‌دیدکردن قطعاً تا سال ۱۹۵۰/۱۳۳۰ در یزد برگزار می‌شد و شاید همچنان نیز معمول باشد. حتی قبل از ۱۹۵۰/۱۳۳۰ هم این رسم تغییر شکل داده بود و به جای نشان‌دادن جسد به سگ و انواع جانوران شبیه سگ (شایست ناشایست، ۲/۲)، تکه‌نانی را بر سینه مرده می‌نهادند و اگر سگ آن را برمی‌داشت و می‌برد، شخص را مرده می‌دانستند (شایست ناشایست: ۴۳).

دم در دخمه جسد را زمین می‌گذاشتند و صورتش را باز می‌کردند تا خانواده‌اش برای آخرین بار با او وداع کنند. سپس دو نساسالار، که لباس‌های مخصوص پوشیده بودند، قفل آهنی در را باز می‌کردند و پس از واردکردن جسد به دخمه، سرش را به طرف جنوب (شمال جایگاه دیوان است) روی سنگی (به نام «کیش») قرار می‌دادند. جسد را عریان می‌کردند و لباس‌ها را به درون چاه وسط دخمه می‌انداختند. کرکس‌ها و لاشخورها ظرف دو ساعت همه چیز را می‌خوردند. سپس مأموران برج، استخوان‌ها را به داخل چاه می‌انداختند (soderblome, 1911: 504). امروزه رسم دخمه‌گذاری منسوخ شده است. نخست دخمه تهران برچیده شد و سپس در کرمان (حدود ۱۳۱۸ ه.ش.) و یزد (۱۳۳۶ ه.ش.) این مراسم منسوخ شد و در نهایت آرامگاه را به شیوه جدید ساختند (مزدایور، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

۲.۷. مراسم آیینی درگذشتگان

مراسم رسمی درگذشتگان پس از تدفین، سوم (اصلاح قدیمی تر: sed) و چهارم (اصطلاح قدیمی کرمانی: ċāromun) و دهه (daha) و سی‌روزه (siruja/siruz) و روزه (ruja/ruza) است. در هر ماه تا یک سال روزه برگزار می‌شود و در هر سال مراسم سال و

مقایسه تطبیقی آیین مرگ در بین مسلمانان و زرتشتیان و بررسی میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر / ۶۳

تا سی ساله هر ساله، مراسم سال را برگزار می‌کنند. پس از سال اول، یک روزه دیگر هم در سر ماه پس از سال خوانده می‌شود (مزداپور، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

بنا به باور دینی زرتشتیان، روان در گذشته تا بامداد روز چهارم پس از درگذشت، در این جهان می‌ماند و سپس به جهان دیگر می‌رود. همچنین، در بندهش می‌آید که روان در سه شب اول درگذشت به آتشی پناه می‌برد که در نزدیکی جایگاه مرگ او افروخته شده است (بندهش، ص ۱۲۹). از این رو، لیوانی پر از روغن نارگیل را سه روز و سه شب در داخل اطاق روشن نگاه می‌دارند (مهر، ۱۳۸۷: ۱۷۲-۱۷۳) و معتقدند روان تا روز چهارم در همین منزل است تا ایزد مهر، سروش و رشن به اعمال او رسیدگی کنند (خسرویانی (راستی)، ۱۳۸۱: ۶۰۷). بازماندگان در این سه روز سروش را ستایش می‌کنند (بویس، ۱۳۷۴: ۱۶۸). نیز بیان شده است که روان چون از تن جدا شود، مانند کودکی است که از مادر بزیاید و نیاز به دایه و قابله دارد. پس سروش چونان نگاهبان و حامی باید فراخوانده شود تا از روان پشتیبانی کند (صد در بندهش، در ۴۰)؛ و روان را از دیوان حفظ کند (شایست ناشایست، ۳/۱۷). همچنین، در این سه شب بستگان در گذشته باید روزه بگیرند؛ یعنی از خوردن گوشت پرهیز کنند (شایست ناشایست، ۲/۱۷). در سومین شب مراسم، سه بار برای مرده ختم برداشته می‌شود. در همان اثنا، یک دست لباس کامل برای درگذشته خیرات می‌کنند تا او را به کار آید. همان روز سوم، از طرف روح در گذشته، حیوانی قربانی می‌کنند. روز چهارم هنگام طلوع آفتاب دنبه حیوانی را که روز پیش قربانی کرده بودند، نذر ایزد آذر می‌کنند و در آتش می‌نهند. این فدیة برای آن است که ایزد آذر بر سر پل چینود کار روان را آسان کند (شایست ناشایست، ص ۲۳۱). تصور می‌کنند تابش نور خورشید در بامداد روز چهارم، روان را جذب می‌کند تا به سوی میهن و مأوای جدیدش پرواز کند. در نخستین سی روز، هر روز برایش خوراک خیرات می‌کنند. پس از نخستین سی روز، بار دیگر حیوانی را برای درگذشته قربانی می‌کنند. از آن پس هر سی روز به سی روز برایش خیرات می‌کنند تا اینکه سال به پایان برسد. آنگاه بار دیگر مراسم مذهبی همراه با قربانی کردن حیوان سوم انجام می‌گیرد و باز هم خوراک و لباس خیرات می‌کنند. در اینجا مراسم سال اول مرگ شخص پایان می‌یابد. از این پس، فقط مراسم سالگرد به همراه خیرات انجام می‌شود که باید تا سی سال پس از مرگ درگذشته انجام شود (بویس، ۱۳۷۴: ۱۶۸). همچنین، در روزهای چهارم و دهم و سیام و سال، دعا‌های آفرینگان اردافروش، آفرینگان سروش و سپس آفرینگان دهمان خوانده می‌شود (پورداوود، ۱۳۸۰: ۲۳۰).

زرتشتیان برای درگذشتگان جشن فروردیگان می‌گیرند. در متون آمده است: «فروردیگان موقع کمال سال است، یعنی سال با انبارکردن روزها و نیز با کار نیک و عمل خوب و پرستش ایزد و ستایش او توسط آفریدگان خوب، که در میان آنها انسان مهم‌ترین است، کامل می‌شود و به این دلیل در آن موقع روان پارسیان و دیگر مینوان خوب برای دریافت خیرات، بیشتر فرا می‌رسند» (کتاب پنجم دینکرد، ص ۱۰۴، بند ۲۶). آنها معتقدند روان درگذشتگان سالی پنج روز پیش از نوروز (از اهنود تا وهشتواش) و سپس در روز فروردین و فروردین‌ماه از بازماندگان خود در این جهان دیدن می‌کنند. در این پنج روز تمام ارواح از ثوابکار و گناهکار آزادند و به زادگاه و مکان خود می‌آیند و به بازماندگان خود سرکشی می‌کنند و هرچه منزل پاکیزه‌تر باشد موجب شادی بیشتر آنها می‌شود (خسرویانی (راستی)، ۱۳۸۱: ۶۱۰). همچنین، زرتشتیان هنگام دمیدن سپیده بامدادی، در روز، نوروز، بر پشت‌بام خانه‌ها آتش می‌افروزند و اوستا را زمزمه می‌کنند. ایشان تصور می‌کنند، هرچه طلوع خورشید نزدیک می‌شود، فروشی‌ها دورتر می‌شوند، تا اینکه به هنگام طلوع صعود کرده، به سوی آشیانه آسمانی خویش پرواز می‌کنند (بویس، ۱۳۷۴: ۱۷۱).

۳. واکاوی تشابهات آیینی مرگ بین مسلمانان و زرتشتیان

پیش از آنکه وارد بحث واکاوی تشابهات و همانندی‌های پندار و رفتار مسلمانان و زرتشتیان در گستره آیین مرگ شویم، ذکر دو نکته مقدماتی ضروری است:

یکم؛ بعد از ظهور اسلام، مسلمانان وارد سرزمینی شدند که مردمانش بیش از هزار سال با آیین زرتشت خو گرفته بودند و سرشت نیاکانشان با آموزه‌های این دین عجین شده بود. با ورود اسلام، گرچه بعد از چند دهه یا سده، آنها بالاجبار یا با طیب خاطر این دین جدید را پذیرفتند، اما بسیاری از عادات و آموزه‌ها، که طی چندین نسل با آن خو کرده بودند، همچنان در ضمیرشان استوار ماند. از این‌رو در محدوده‌هایی که از طرف شرع اسلام منع جدیدی وارد نشده بود، بیشتر تمایل داشتند رسوم پیشین را اجرا کنند. عمق این باورها و عادات به اندازه‌ای بود که بعضاً حتی در محدوده‌های ممنوعه شرعی نیز هر جا که امکان داشت، رفتار دین پیشین را جایگزین می‌کردند. موضوع مرگ نیز در زمره آیین‌های مهمی بود که به دلیل وجود باورهای پیشین، بخشی از آن متأثر از همین باورها شد.

دوم؛ آن دسته از ایرانیانی که همچنان بر آیین خود پابرجا مانده بودند، به دلیل هم‌زیستی با مسلمانان و وجود رویه غالب اسلامی در جامعه، در طول تاریخ بعد از اسلام، به اجبار یا با اختیار، خود بخشی از احکام و رفتار مسلمانان در آیین مرگ را به مجموعه پندارها و رفتارهای آیینی افزودند و این منجر به بروز تشابهات در آیین مسلمانان و زرتشتیان در خصوص موضوع مرگ شد. نکته مهم دیگر نیز این است که مقایسه منابع اولیه اسلام و متون کهن زرتشتی گاه گزاره‌ها و پندارهای مشابه در آیین مرگ را نشان می‌دهد که نمایانگر وحیانی بودن پاره‌ای از این گزاره‌ها است. آنچه در ادامه می‌آید استنتاج پاره‌ای از تشابهات فکری و رفتاری پیروان این دو مذهب در خصوص آیین مرگ است.

۳. ۱. حیات جاودانه

- از نگاه اسلام، جهان آخرت حیات ابدی و جاودانه انسان است و هر مسلمانی باید از این دنیا به عنوان مقدمه و بستری برای سعادت اخروی استفاده کند. با فرارسیدن مرگ انسان، «عزرائیل» روح را از بدن جدا می‌کند و انسان به دوزخ منتقل می‌شود. همچنین، مسلمانان برای رسیدن به بهشت از پلی به نام «صراط» باید عبور کنند. در میان زرتشتیان نیز، فرآیندی به همین ترتیب با اندکی تفاوت وجود دارد. «آستودیهاد» (یسنه، ۲۵/۵۷ و وندیداد، ۴۹/۴ و ۸۹/۵)، که مأمور گرفتن جان‌ها است، روح فرد را می‌گیرد و در صورت عبور از پلی به نام «چینود» به بهشت می‌رسند.

- مطابق باورهای هر دو آیین، روح یا روان در گذشته، در محیطی ظلمانی و ناآرام به سر می‌برد که نیایش‌ها و خیرات بازماندگان فروغی در محیط ظلمانی در گذشته می‌افروزد و او را به آرامش می‌رساند. همچنین، این خیرات مادی و معنوی مطابق انگاره‌های زرتشتی به عبور موفقیت‌آمیز از پل چینود و در آموزه‌های اسلامی از پل صراط کمک می‌کند. البته تأکید شده است که این نیایش‌ها و خیرات برای افراد نیکوکار نیز مثمر ثمر است و به ارتقای رتبه و آرامش بیشتر در گذشته (متوفا) می‌انجامد.

- هنگامی که متوفا در قبر است، بنا بر اعتقادات مسلمانان، دو فرشته با نام «نکیر» و «منکر» داخل قبر می‌شوند و از وی چیزهایی می‌پرسند. اگر میت، فرد صالحی باشد دو فرشته مذکور با صورتی زیبا و بشاش به نزد وی می‌روند و بالعکس اگر فرد گنهکاری باشد با صورتی زشت و خشمناک به دیدار وی خواهند رفت. شبیه همین اعتقاد برای

زرتشتیان متصور است، که در سه‌روزی که در گذشته منتظر عبور از پل چینود است، در صورتی که اعمال نیک انجام داده باشد، دوشیزه‌ای بسیار زیبا به نزد وی می‌آید و در صورتی که اعمال ناشایستی داشته باشد عجزه‌ای زشت او را درمی‌یابد.

با توجه به وجود تمامی تشابهات فوق در منابع اولیه متون دینی، می‌توان پذیرفت که مشابهت به دلیل الاهی‌بودن آموزه‌های مذکور باشد.

۳.۲. آداب دفن و کفن

- مطابق آموزه‌های اسلام واجب است میت با آب غسل داده شود و پس از آن کفن گردد. اما با توجه به آموزه‌های زرتشتی، چون آب از عناصر مقدسی است که نباید با جسد، که ریمنی (پلید) است، تماس پیدا کند، مردگان را با گمیز غسل می‌دادند. اما امروزه زرتشتیان، درگذشتگان را با آب غسل می‌دهند. از این‌رو بعید نیست که این موضوع تحت تأثیر رفتار مسلمانان قرار گرفته باشد.

- مرحله کفن کردن، که از افعال واجب بعد از غسل نزد مسلمانان است، در سلگ مناسب زرتشتیان نیز قرار گرفته است، در حالی که اثری از آن در متون و سیره پیشین آن به این صورت یافت نمی‌شود.

- مطابق رفتار پیشین زرتشتیان، پیش از آنکه فرد درگذشته را به دخمه وارد کنند پارچه روی صورت وی را کنار می‌زدند تا بستگان با وی وداع کنند. این کار در میان مسلمانان نیز دیده می‌شود، بدین‌گونه که پیش از دفن و به منظور وداع روی میت باز می‌شود، که احتمالاً تحت تأثیر زرتشتیان است.

- سنت مرسوم پیشین زرتشتیان که در متون دینی تأکید بسیاری بر آن شده و تقریباً تا چند دهه پیش اجرا می‌شد، انتقال مردگان به دخمه بود تا جسد مردگان خوراک پرندگان و حیوانات وحشی شود، اما امروزه سنت انتقال مردگان به دخمه تغییر کرده و همانند مسلمانان مردگان خویش را در گور دفن می‌کنند، با این تفاوت که علی‌رغم تأکید مسلمانان به تماس صورت با خاک، زرتشتیان برای احتراز از تماس جنازه با خاک یا فرد را با تابوت آهنی دفن می‌کنند یا اینکه درون قبر را با سنگ و سیمان می‌پوشانند تا از تماس جسد با خاک جلوگیری شود.

۳.۳. مراسم‌های عزاداری

- از نظر اسلام، مدت زمان مرسوم برای عزاداری سه روز بیشتر نیست، اما این زمان در میان زرتشتیان شامل چندین مراسم، تا نهایت ۳۰ سال بعد از مرگ در گذشته است. آداب مرسوم در میان ایرانیان مسلمان زمان حاضر گسترش رسوم به هفتم، چهلم، سال و گاه سال‌های متعدد است. بعید نیست که بخشی از این آداب متأثر از آیین‌های سوگواری زرتشتیان باشد.

- در مراسم عزاداری هر دو آیین، اذکار و دعاهایی برگرفته از متون مقدس خوانده می‌شود که بنا به اعتقادات پیروان هر دو آیین به مأنوس شدن بیشتر روان تازه‌درگذشته با جهان باقی می‌انجامد. همچنین، امواج ناشی از این زمزمه‌ها تأثیراتی بسیار در روان بازماندگان پدید می‌آورد.

- رسم دیگری که در عزاداری‌های مسلمانان دیده می‌شود و بعید نیست متأثر از رسوم زرتشتیان باشد، روشن کردن چراغ یا لامپ در مراسم‌های عزاداری است که مطابق متون اسلامی از افروختن سراج در روز نهمی شده، اما امروزه این رسم به صورت چراغ‌های حجله یا چراغ‌های منفرد دیگر معمولاً اجرا می‌شود.

- هنگامی که روح یا روان از بدن جدا می‌شود بنا بر آموزه‌های هر دو دین جسد ناپاک می‌گردد، با این تفاوت که مطابق آیین زرتشتی جسد بعد از مرگ یکسره ناپاک است و از این رو حتی از تماس با خاک و آب باید اجتناب شود، اما در نگاه اسلامی جسد از هنگامی که سرد می‌شود تا زمان غسل ناپاک است و پس از آن پاک می‌گردد.

- در قسمت پیشین، در خصوص زمان دفن میت مسلمان اشاره شد که مطابق تأکید روایات، جنازه باید هرچه سریع‌تر دفن شود. از این رو در خصوص دفن مردگان در شب فقط در صورت ناممکن بودن، به روز بعد موکول می‌شد، در غیر این صورت فرقی در دفن شبانه و روزانه نبود. اما در سیره کنونی معمولاً از دفن شبانه میت احتراز می‌شود. به نظر می‌رسد این اجتناب متأثر از رویه زرتشتیان باشد که تأکید دارند حتماً باید جنازه در روز و زیر نور خورشید دفن شود.

- در آیین اسلامی مستحب است به مدت سه روز بستگان یا همسایگان، برای صاحبان عزا غذا تهیه کنند. زیرا صاحبان عزا موقعیت مناسبی برای درست کردن غذا ندارند. این تأکید مهم، هرچند امروزه در میان مسلمانان کاملاً تغییر کرده است، به طوری که صاحبان عزا تدارک پذیرایی بیشتر شرکت‌کنندگان در مراسم را به عهده

دارند، اما، سفارش‌های اصیل اسلام همانندی با رویه مذکور در میان زرتشتیان دارد که این رویه از آموزه‌های وحیانی هر دو آیین است.

- مطابق اعتقادات زرتشتیان، روان درگذشتگان در روزهای پایانی سال و همچنین عید نوروز به دیدار بازماندگان می‌آیند. از این‌رو زرتشتیان در این روزها به قبور مردگان سر می‌زنند و برای آنها نذر و خیرات می‌کنند. این رسم امروزه میان ایرانیان مسلمان نیز دیده می‌شود که در آخرین پنج‌شنبه سال با عنوان «پنج‌شنبه آخر سال» خود را موظف می‌دانند به زیارت قبور بروند و خیرات کنند. برخی نیز این کار را در روز عید نوروز انجام می‌دهند. بسیار محتمل است که این نیز برگرفته از رسوم زرتشتیان باشد.

نتیجه

این نوشتار در پی آن بود که با واکاوی آموزه‌های اسلامی و زرتشتی، نقش آیین مرگ و نگاه به آن را در میان مسلمانان و زرتشتیان بررسی کند. با توجه به آنچه گذشت، مبرهن شد که برخی از آموزه‌های این دو آیین تشابهاتی، از نوع نگاه تا مرحله اجرا و عمل، دارد که بخشی از آن متأثر از یکسان‌بودن گزاره‌های وحیانی دو دین و بخشی هم به دلیل هم‌زیستی پیروان دو آیین است؛ البته با در نظر گرفتن فرآیندی که شامل غلبه قدمت و ثبوت و رسوخ آیین‌های زرتشتی از سویی و غلبه قدرت و حاکمیت آیین‌های اسلامی از سوی دیگر بوده است. همچنین، باید بر این نکته تأکید کرد که تغییرات آیین مرگ در بین پیروان هر دو دین منحصر در نمونه‌های ذکرشده نیست و عوامل متعدد دیگری نیز در این آیین‌ها تغییر کرده است که چون حاصل تأثیر و تأثر بین دو دین مذکور نبود، ذکر نشد. مثلاً مطابق بررسی‌ها و برابر دیدگاه‌های احتمالی، ممکن است بخشی از آیین‌های سوگواری مسلمانان از قبیل هفتم، چهلم و ... متأثر از رسوم مندائیان جنوب و حاشیه عراق باشد (ممتحن، ۱۳۳۷: ۷۶؛ یکتایی، ۱۳۴۱: ۳۰) یا برخی حالات تشییع جنازه و رسومی مانند اهدای گل متأثر از مسیحیان ایران یا غرب باشد.

جمع‌بندی نهایی اینکه، آیین مرگ در هر دو دین، به جهت دلایلی که ذکر شد، از یکدیگر تأثیر و تأثرات معناداری پذیرفته، و خاتمه مقال اینکه: آموزه‌های تمامی ادیان الهی، صرف‌نظر از تعدد روش‌ها و فرآیندهای اجرایی آن، نهایتاً یک هدف برای

مقایسه تطبیقی آیین مرگ در بین مسلمانان و زرتشتیان و بررسی میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر / ۶۹

انسان‌ها ترسیم می‌کنند که آن سعادت و کمال انسان در حیات جاودانه اخروی است.

پی‌نوشت

۱. در برخی منابع تأکید بر چوب خرما است.
۲. منظور از احداث شکاف در دیوار طبق بند ۱۰ فصل هشتم این است که هنگام حمل جسد از خانه، صاحب‌خانه و زن وی از شکاف خانه بیرون روند، اما دیگران از درب خانه.
۳. صد در نثر، در سی‌وسوم (از این‌روی، پس از درگذشت هر کس، به‌ویژه اکنون که رسم نهادن نسا در دخمه ترک شده است، خواندن یشت بیم‌سپندارمذ (دری زرتشتی: *yašt e bin e seEndormez*) ضرورت دارد؛ شایست ناشایست، ص ۴۸).
۴. ظرف نگهداری استخوان مرده در اوستا به لفظ «استودان» آمده و این واژه مخفف «استخوان‌دان» است.
۵. آیین نیرنگ عبارت است از آیین تقدیس ادرار گاو که در آیین‌های تطهیر به کار می‌رفت و منابع تقدیس‌شده به نام نیرنگ یا نیرنگ دین شناخته می‌شد (هوار، ۱۳۷۹: ۲۱۵).
۶. موبد آذرگشسب آن را به شکل «پیش‌گاهنان» آورده است (آذرگشسب، ۱۳۷۲: ۲۰۸).

منابع

قرآن کریم.

آذرگشسب، اردشیر (۱۳۷۲). *مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان*، تهران: فروهر. احتشامی، ابوالحسن (۱۳۴۸). «عروسی و عزا از نظر زرتشت»، در: *مجله وحید*، ش ۵، ص ۳۷۲-۳۷۵.

اورداویراف‌نامه (۱۳۷۲). ترجمه و تحقیق: ژاله آموزگار، تهران: معین. *اوستا* (۱۳۸۶). گزارش و پژوهش: جلیل دوست‌خواه، تهران: مروارید. بویس، مری (۱۳۷۴). *تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه: همایون صنعتی‌زاده، تهران: توس. بویس، مری (۱۳۸۵). *زرتشتیان: باورها و آداب دینی آنها*، ترجمه: عسکر بهرامی، تهران: ققنوس.

پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۰). *خرده‌اوستا*، تهران: اساطیر. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۲). *هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة*، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة.

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۲). *منتهی‌المطلب فی تحقیق‌المذهب (ط-الحدیثة)*، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة.

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (بی‌تا). *تذکرة الفقهاء (ط-الحدیثة)*، قم: مؤسسه آل‌البیت. خسرویانی (راستی)، کیخسرو (۱۳۸۱). *یاد و یادگار در سروش پیر مغان*، گردآورنده: کتابیون

- مزداپور، تهران: انتشارات ثریا.
- دارمستتر، جیمس (۱۳۸۴). *مجموعه قوانین زردشت (وندی‌داد اوستا)*، تهران: دنیای کتاب.
- روایت پهلوی (۱۳۶۷). ترجمه: مهشید میرفخرایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- گزیده‌های زادسپرم (۱۳۶۶). ترجمه: محمدتقی راشد محصل، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۷۰). *معادشناسی در پرتو کتاب سنت و عقل*، ترجمه: علی شیروانی، تهران: انتشارات الزهراء.
- شایست ناشایست (۱۳۶۹). آوانویسی و ترجمه: کتیون مزداپور، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ الف). *الخلاف*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ ب). *تهذیب الاحکام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عاملی (بهایی)، بهاء‌الدین محمد بن حسین؛ ساوجی، نظام بن حسین (بی‌تا). *جامع عباسی و تکمیل آن* (محشی)، تهران: منشورات فراهانی.
- فرنیخ، دادگی (۱۳۶۹). *بندهش*، ترجمه: مهرداد بهار، تهران: توس.
- قمی (شیخ صدوق). محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قمی (شیخ صدوق). محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۴۱۴). *الهدایة فی الأصول والفروع*، قم: مؤسسه امام هادی.
- کتاب پنجم دینکرد (۱۳۸۶). ترجمه: ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: معین.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کوفی، محمد ابن محمد اشعث (بی‌تا). *الجعفریات - الأشعثیات*، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴). *لوامع صاحبقرانی المشتبه بشرح الفقیه*، قم: اسماعیلیان.
- مزداپور، کتیون (۱۳۸۲). *زرتشتیان*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مزداپور، کتیون (۱۳۸۳). «تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران»، در: *مجله فرهنگ*، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۱۴۷-۱۸۰.
- ممتحن، حسین علی (۱۳۳۷). *تحقیق در احوال و مذاهب و رسوم صابئیان عراق و خوزستان*، تهران: بی‌نا.
- موسوی (شریف مرتضی)، علی بن حسن (۱۴۱۵). *الانتصار فی انفرادات الامامیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مقایسه تطبیقی آیین مرگ در بین مسلمانان و زرتشتیان و بررسی میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر / ۷۱

مهر، فرهنگ (۱۳۸۷). *دیدای نواز دینی کهن*، تهران: جامی.
میرفخرایی، مهشید (۱۳۷۱). *بررسی هادخت نسک*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مینوی خرد (۱۳۸۰). ترجمه: احمد تفضلی، تهران: توس.
ویدن‌گرن، گئو (۱۳۷۷). *دین‌های ایران*، ترجمه: منوچهر فرهنگ، تهران: آگاهان ایده.
یکتایی، مجید (۱۳۴۱). *تریانا*، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.

Soderblome, Nathan (1911). "Death and Disposal of the Dead", in: *Encyclopedia of Religion and Ethics*, J. Hastings (ed.). Vol. 4, pp. 502-505.

